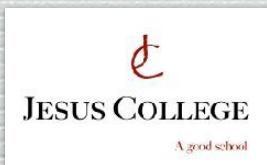


روح انضباطها

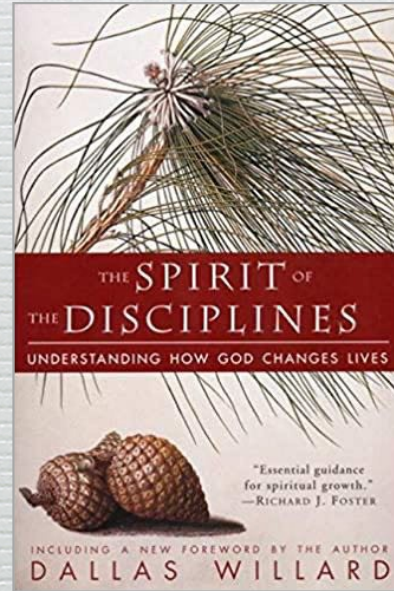
درک چگونگی تغییر زندگی توسط خدا

به دوره یازده هفته‌ای که توسط کلیسای نوسازان
به شما تقدیم میشود خوش آمدید



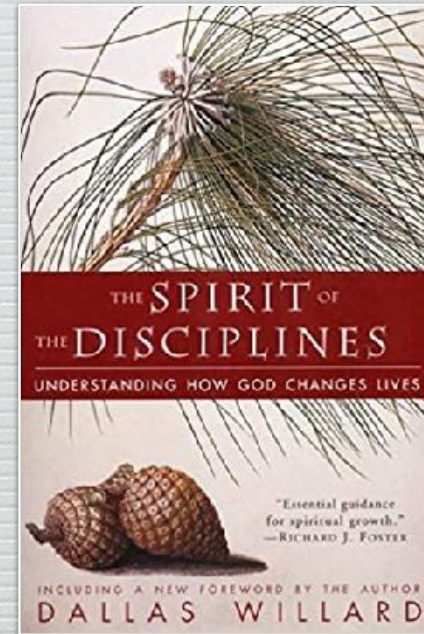
<https://www.jesuscollege.com/dallaswillard-courses-books>

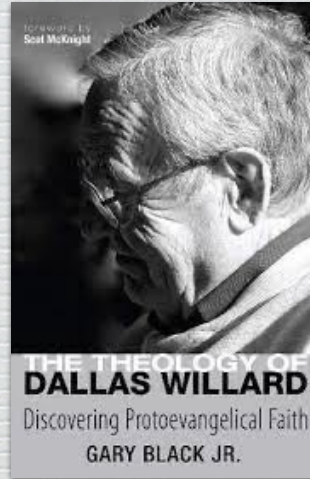
روح انضباطها - جلسه ۳
نجات، یک زندگی است



خلاصه جلسه ۲

تمرین انضباطهای روحانی از طریق فیض در مردم عادی،
شخصیت ما را به زندگی ملکوتی که برای آن آفریده
شده‌ایم، وارد میکند. (۲ پطرس ۱ آیات ۵-۸)





«در فصل ۳ ویلارد واضح‌ترین، جمع‌بندی شده‌ترین تفکر و تسلطش بر کتاب مقدس و انسجام منطقی آنرا آشکار می‌کند.»

گری بلک، جونیور
الهیات دالاس ویلارد

روح انضباطها

جلسه ۳ - «نجات، یک زندگی است» - فصل ۳

زندگی مذهبی در مقابل زندگی روزمره

چرا ما به نجات خود به جای زندگی روزمره‌ای که از خدا دریافت می‌کنیم، به عنوان لحظه‌ای نگاه می‌کنیم که زندگی مذهبی ما شروع شده است؟

در کلیسا می‌گوییم، «مسیح را با خود سر کارت‌تان ببرید.» فرض مرگبار: مسیحیان، مسیح را در کلیسا جا می‌گذارند.

شکست - ما نقشی که بدن‌مان در زندگی روحانی ما ایفا می‌کند را تشخیص نمی‌دهیم - و البته اینجاست که انضباطها مطرح می‌شوند.

نگاهی دقیق به عیسی...

فروتنی، ایمان و شفقت عیسی لحظاتی در زندگی هستند که به طور فراگیرتر و عمیقتر با تنهایی، روزه، دعا و خدمت مشخص می‌شوند.

مطمئناً زندگی پیروان او باید به همان اندازه عمیق با همان اعمال مشخص شود.

آیا منطقی نیست که در آن انضباطها عوامل خاصی را ببینیم که منجر به یوغ راحت، بار سبک و فراوانی قدرت می‌شود؟



«هرچند پسر بود، با رنجی که کشید اطاعت را آموخت.»

عبرانیان ۸:۵

اطاعت، حتی برای او،
چیزی بود که او آموخت.



ما نمی‌توانیم به طور منطقی امیدوار باشیم که اعمال او را بدون پذیرش شیوه زندگی او (با برگزیدن انضباطهای او) انجام دهیم...

کانون (تمرکز) بدن انسان

ارتباط بین انضباطها و یوغ راحت با پُری حیات آن، بر ماهیت شخصیت انسان استوار است. ما در انضباطهای او شرکت میکنیم – نه به این دلیل که او بیگناه بود، بلکه به این دلیل که او بدنی مانند ما داشت.



عیسی در چارچوب انسانی با ما شریک شد،
و مانند همه انسان ها، بدن او کانون زندگیش بود.

دقیقا همین شناخت مناسب از بدن و پیامدهای آن برای الهیات است که در دیدگاه‌های غالب کنونی در مورد نجات یا رهایی‌بخشی مسیحی گم شده است.

بدن انسان نقطه کانونی وجود انسانی است.

بدون بدن در جای مناسب خود، زندگی جدید در مسیح شکل نمی‌گیرد، و ایده پیروی واقعی از او و شبیه شدن به او، عملاً یک غیرممکن باقی می‌ماند.

به شباهت مسیح - عملاً یک غیرممکن.

این ناشی از ناتوانی ایماندار است در تصور اینکه مسیح واقعاً بدنی داشته. پس چنین فرآیندی برای ما باقی میماند:

یوغ راحت - یک رویای دوست داشتنی، یا

شاگردی - یک سرگرمی پاره وقت.

یکی از مهمترین وظایف ما - روشن کردن اینکه چطور و چرا استفاده از بدن برای اهداف مثبت روحانی بخش بزرگی از سهم ما در فرآیند رستگاری است.

روح انضباطها

جلسه ۳ - «نجات، یک زندگی است» - فصل ۳

ایمان از قلمرو زندگی واقعی حذف شد

نشاط و قدرت مسیحیت زمانی از دست می‌رود که ما نتوانیم در عمل، از طریق انتخابهای هوشمندانه و آگاهانه با نیتی ثابت، بدن‌هایمان را با آن ادغام کنیم. ما با بدن‌هایمان حیات جدیدی را دریافت می‌کنیم که با ورود به پادشاهی او به ما می‌رسد. خدا، با تجسم یافتن در وجود ما، ما را در ملکوتش زنده می‌کند!

یوحنا ۱۴:۲۳؛ اول قرنتیان ۶:۱۵-۲۰؛ افسسیان ۲:۲۲

روح انضباطها

جلسه ۳ - «نجات، یک زندگی است» - فصل ۳

«اگر کسی مرا دوست بدارد، کلام مرا نگاه خواهد داشت، و پدرم او را دوست خواهد داشت، و ما نزد او خواهیم آمد و با او مسکن خواهیم گزید.»
یوحنا ۱۴:۲۳

«یا نمی‌دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟ آیا اعضای مسیح را برگیرم و آنها را اعضای فاحشه‌ای گردانم؟ هرگز! ... آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و او را از خدا یافته‌اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ به بهایی خریده شده‌اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید.»

اول قرن‌تیا ن ۶: ۱۵-۲۰

«و در او شما نیز با هم بنا می‌شوید تا به صورت مسکنی درآیید که خدا به واسطهٔ روحش در آن ساکن است.»

افسیان ۲: ۲۲

نتیجه حذف ایمان از زندگی؟

مسیحیتی بیگانه و کلیسایی ناتوان

کلیسا، ناتوان بر زندگی، در یک طرف ایستاده است، و خدا بدون مکانی برای سکونت که از طریق آن بتواند به طور موثر جهان را به روشی که می خواهد پر کند باقی می ماند. به همین دلیل است که ما به ندرت می یابیم،

«در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود.»

یوحنا ۱: ۴



نجات فقط بخشش نیست، بلکه یک نظم جدید زندگی است

حداقل کاری که ما باید بکنیم، درگیر شدن در یک بازاندیشی رادیکال در مورد مفهوم مسیحی نجات است.

نجات یافتن یعنی چی؟

ما ادغام «فیض با شخصیت انسانی» در شاگردی را از دست داده‌ایم.

آسیب تخمین ناپذیر: نجات = بخشش صرف

- نظریه‌های کفاره، نجات و زندگی را نامفهوم می‌کند.

فیض خدا در نجات، تجسم یافته در شخصیت‌های انسانی که با عیسی

در یوغ راحت او راه می‌روند.

رومیان ۱۰:۵ «نجات یافته بوسیله حیات او»

صلیب و زندگی نابود نشدنی که آشکار می‌کند

زندگی متعالی مسیح در پادشاهی کنونی آسمان چیزی است که شاگردان را قبل از مرگش دور عیسی گرد هم آورد. رستاخیز ثابت کرد که حیات نابود نشدنی است.

بعد از کلیسای اولیه، درک کلیسا تقلیل یافت به صرف بخشش گناهان، که منتهی می‌شود به بهشت، در ماورای این زندگی. و مرگ مسیح شایستگی بخش آن بخشش به ما شد.

عمل صلیب ابتدا به طور محدود به عنوان یک رنج نیابتی صرف تفسیر شد و سپس با کل عمل بازخرید خدا اشتباه گرفته شد.

تأثیر این تغییر جهت برای تاریخ کلیسا و واقعیت‌های شیوه زندگی و رفتار یک مسیحی به طور غیرقابل محاسبه‌ای گسترده و عمیق است.



رستاخیز و دوستان عیسی

کولسیان ۱: ۱۳ - «زیرا ما را از قدرت تاریکی رهانیده و به

پادشاهی پسر عزیزش منتقل ساخته است.»

جایگزینی نجات - بازخرید / تجدید حیات -

با کفاره - صرف بخشش گناهان.

رستاخیز، نه مرگ مسیح، قلب حقیقت بشارت ایمانداران اولیه بود.

«حیات» — یوحنا ۱۰: ۱۰، اول یوحنا ۵: ۱۲، افسسیان ۲: ۵



رستاخیز یک رویداد کیهانی بود، فقط به این دلیل که واقعیت و تخریب ناپذیری آنچه عیسی قبل از مرگش موعظه کرده و نمونه ای از آن بود را تأیید کرد – واقعیت پایدار و باز بودن ملکوت خدا.

این بدان معناست که ملکوت، با تشکیلی جمعی که شاگردانش می شناختند و به آن امیدوار بودند، ادامه خواهد یافت. همانطور که متی فصل ۱۶ آیه ۱۸ می گوید: «قدرت مرگ بر آن استیلا نخواهد یافت». این، بعلاوه این واقعیت که عیسی در نهایت نمرده بود - و اینکه وقتی بمیریم، مرده نخواهیم ماند - رستاخیز را مژده‌ای تکان دهنده و دگرگون کننده کرد.

دالاس ویلارد

روح انضباطها



انجیل را از دادگاه
به بخش مراقبت های ویژه منتقل کنید...
از حکمی قانونی به حیات بخش



ایمان و اعمال فیلیپیان ۳:۲۰، کولسیان ۱:۱۳

وقتی به درک این موضوع رسیدیم که ایمان یک نیروی حیاتی قدرتمند است، این سه بُعد را در عهد جدید تشخیص می دهیم:

۱- حضور قدرت جدیدی در درون ما.

۲- دگرگونی شخصیت و کاراکتر ما.

۳- قدرت های فرا انسانی بر شرّ این عصر حاضر.



با نگاهی به بحث ما تا حالا...

یوغ راحت به انضباط روحانی متصل است،

و

بدن نقش حیاتی در بازخرید دارد.

بنابراین، انضباط روحانی را نمی‌توان انجام داد مگر اینکه بدن ما بطور دقیق و قطعی به خدا تسلیم شود.

نجات به عنوان حیات، آن چیزی است که ما در اعمال و تمایلات بدن خود زندگی می‌کنیم.



بدن حقیر * انسان

«پس ایمان از شنیدنِ پیام سرچشمه می‌گیرد و شنیدنِ پیام،

از طریق کلام مسیح میسر می‌شود.» رومیان ۱۰:۱۷

ایمان، یک عمل درونی ذهن نیست. نجات، فقط بخشش نیست.

تجربه واقعی ما با بدن انسان ...

بیشترین چیزی که می‌توانیم به دست آوریم رسیدن به یک بن بست است...

مگر به فیض خدا که بدنمان را از گناه باز دارد تا از شر آن خلاص شویم.

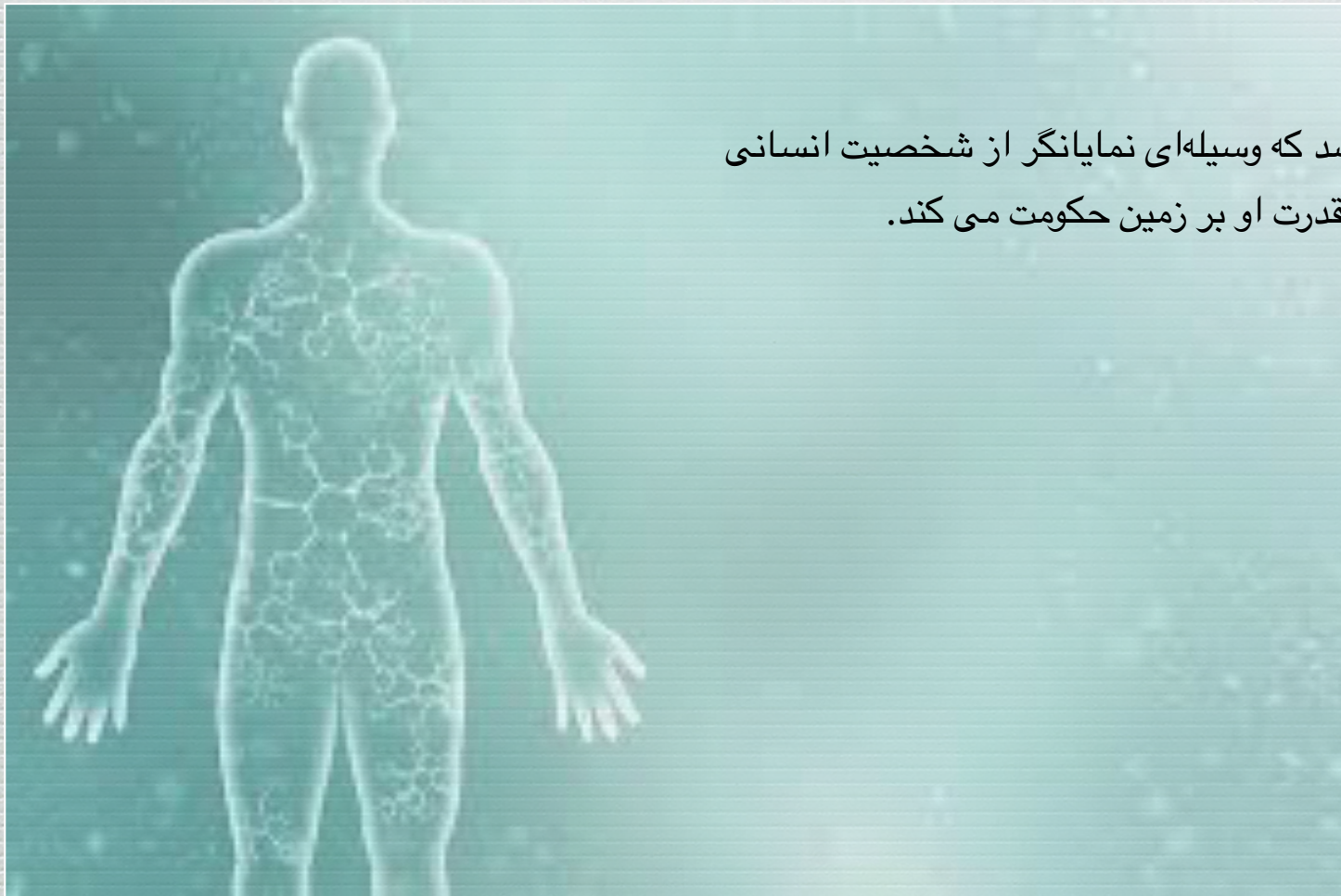
«او با نیرویی که وی را قادر می‌سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد،

بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پرجلال او درآید.» فیلیپیان ۳:۲۱

آیا بدن حقیر نیست؟

اول قرن‌تیاں ۱۵: ۴۸-۵۰؛ حتی عیسی مسیح در مرقس ۷: ۲۰-۲۳

بدن انسان به گونه‌ای آفریده شد که وسیله‌ای نمایانگر از شخصیت انسانی باشد که برای خدا و از طریق قدرت او بر زمین حکومت می‌کند.



۸۰ + ۱۰،۰۰۰

تعمق – مرقس ۱: ۳۵

عملکرد

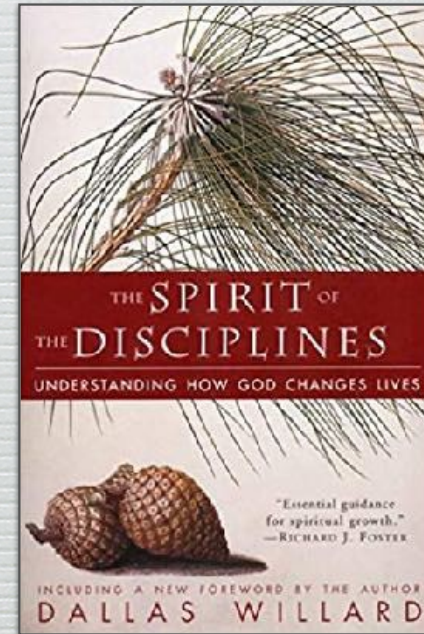
چشم‌انداز ۱- بنظر من، بدنم برای چه چیزی خوب است؟ و برای چه چیزی بد؟ **Vision**

نیت ۲- انجیل من چیست؟ آیا دیدگاه من در مورد «نجات» بیش از بخشش صرف **Intention**
برای رفتن به بهشت است؟ چرا بله یا چرا نه؟ تاثیر آن بر نیتم برای آینده چیست؟

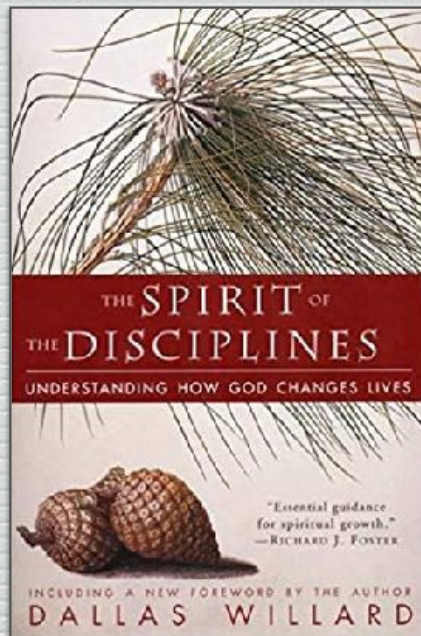
راه، ۳- این هفته چه انضباط روحانی را انجام میدهم تا بدنم را به شباهت مسیح **Means**
(روش رسیدن) شکل دهم؟

خلاصه جلسه ۳

نجات، مشارکت در زندگی فناپذیر عیسی است که در واقعیت پایدار و گشودگی پادشاهی خدا یافت می‌شود و هرگز پایان نخواهد یافت... و ما نیز همچنین.



جلسه ۴



«اندکی کمتر از خدا»

فصل ۴

فصل‌های ۴ تا ۶ – ما کیستیم و زندگی روحانی چیست؟
اساس الهیاتی برای انضباط‌های روحانی.

باشد که قدرت عیسی رستاخیز کرده
که در بدن شما ساکن است تا
۱۰،۰۰۰ دقیقه آینده شما را هدایت و
تبدیل کند.

